

## تأثیر مشروعیت سیاسی و مردم سالاری دینی بر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی

سیده معصومه فهندژ سعدی<sup>۱</sup>، محمدرضا محمدجانی<sup>۲</sup> و حمیدرضا حقیقت<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

### چکیده

نظام‌های انتخاباتی از لوازم بنیادی نظام‌های سیاسی مردم سالار هستند. اهمیت آن‌ها نه فقط به واسطه نقش آنها در ساخت جامعه‌ی مردم‌سالار که در تأثیراتی است که کارکردهای این نظام بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بر جای می‌گذارد. واژه انتخابات به معنای عمل گزینش و انتخاب کردن است؛ یعنی عمل گزینش و انتخاب کردن از چندین مورد یا گزینه‌های مختلف؛ انتخابات زمانی واقعیت بیرونی خواهد داشت که اولاً اراده‌ی آزاد انسان، پیش‌فرض گرفته شود؛ و ثانیاً امکان اجرای این آزادی عمل گزینش وجود داشته باشد و ثالثاً گزینه‌های مختلفی وجود داشته باشد تا از میان آنها گزینش صورت گیرد. هدف این مقاله تبیین تأثیر مشروعیت سیاسی و مردم سالاری دینی بر انتخابات مجلس شورای اسلامی است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به تأثیر این دو مقوله بر انتخابات مجلس پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** مشروعیت سیاسی، مردم سالاری دینی، انتخابات، نظام انتخاباتی، مجلس شورای اسلامی.

### استناد فارسی (شیوه‌ی APA ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

فهندژ سعدی، سیده معصومه؛ محمدجانی، محمدرضا؛ حقیقت، حمیدرضا (پاییز ۱۴۰۳). «تأثیر مشروعیت سیاسی و مردم سالاری دینی بر نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۷، صص ۹۷-۱۲۲.

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی سیاستگذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

ایمیل: s.m.fahandezh2011@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

ایمیل: mohamahrezamohammadjani@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

ایمیل: Hamidrezahaghighat@yahoo.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسکد (انديشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را بازنویسی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

انتخابات فرآیندی است مبتنی بر آرای عمومی که از طریق آن افراد به قدرت و مقام تصمیم‌گیری سیاسی در جامعه دست پیدا می‌کنند. نظام انتخاباتی نیز آرای را که در انتخابات عمومی به صندوق انداخته شده، به کرسی‌هایی تبدیل می‌کنند که احزاب و کاندیداها آن‌ها را اشغال می‌کنند. مردم‌سالاری دینی ریشه در شکل حکومت جمهوری اسلامی دارد و مؤلفه‌های آن بر دو پایه بنا گذاشته شده است، یکی جمهوری و دیگری اسلامیت. یعنی شکل حکومت، ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن «جمهوری» است اما محتوای آن «اسلامی». مهمترین اقدام انقلاب اسلامی ترکیب ماهوی با اسلام است. در جمهوری اسلامی اولین نشانه مردم‌سالار بودن، حضور همه جانبه اقشار مختلف مردم در انقلاب اسلامی است.

کلمه انتخابات در زبان فارسی از ریشه عربی فعل «نخب» به معنای برگزیدن، جدا کردن، اختیار کردن و دستچین کردن گرفته شده و معادل انگلیسی آن *Election* است. از نظر علم معناشناسی، این اصطلاح تغییر و تحولات معنایی وسیعی یافته ولی کاربرد رایج و عام، به معنای روش یا شیوه‌ای است برای برگزیدن تعداد معینی از افراد از میان شمار کثیری از کسانی که برای تصدی یک منصب یا مقام خود را نامزد کرده‌اند. به‌طور کلی انتخابات نوعی کنش اجتماعی است که همواره به تعریف و تعیین میزان مشارکت سیاسی در عرصه نظام اجتماعی می‌پردازد (حقیقی، ۱۳۷۹: ۳).

از نظر اصطلاحی، «انتخابات» مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده‌ی شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد (قاضی، ۱۳۸۹: ۲۹۱).

پوپر از نظریه‌پردازان معاصر غرب است که معتقد بود دموکراسی به‌عنوان یک نظام ارزشی و نه به‌عنوان یک مدل بلکه به‌عنوان شیوه مدیریت قابل طرح است. در این راستا، پوپر معتقد است که دموکراسی، چگونگی اداره جامعه در جهت کاهش خطا در جامعه به شمار می‌رود. دموکراسی به مثابه شیوه مدیریت، گامی در جهت اداره بهینه جامعه، کاهش ضریب خطا و خودمدیری و به حداکثر رساندن مشارکت مردم، مطرح شده است که طی آن خطا کاهش می‌یابد و مردمان جامعه به محض مشاهده خطا، در گرایش رهبران خود تجدید نظر کرده و آنان را در انتخابات بعدی بر نمی‌گزینند. به تعبیر پوپر به‌جای این سؤال که «چه کسی باید حکومت کند» در این تعریف پرسش اساسی «نحوه حکومت کردن» است (پوپر، ۱۳۷۶: ۱۹۹). همچنین پوپر می‌گوید:

«غرضم از دموکراسی چیزی مبهم و دو پهلو مانند حکومت مردم یا حکومت اکثریت نیست؛ منظورم مجموعه‌ای از نهادهاست (بخصوص انتخابات عمومی، یعنی حق مردم برای برکنار

کردن حکومتشان) که نظارت عامه بر حکمرانان و بر کنار ساختن ایشان را امکان پذیر کند و به مردم تحت حکومت اجازه دهد بدون خشونت‌گری و حتی برخلاف خواست فرمانروایان، به اصلاحاتی که می‌خواهند دست یابند».

وی تأکید می‌کند، آنچه در شکل یک حکومت اهمیت دارد، آن است که باید اجازه دهد حکومت را بدون خونریزی ساقط کرد (پوپر، ۱۳۶۹: ۹۵۷).

## ۲. مشروعیت سیاسی

واژه مشروعیت<sup>۱</sup> از ریشه لاتینی (*Legitimus*) گرفته شده که به معنای قانونی (*Lawful*)، برطبق قانون (*According*) است (وینست، ۱۳۷۶: ۶۷). مشروعیت مفهومی نوین در علم سیاست و فرهنگ سیاسی است که در فرهنگ و نظام دموکراتیک غربی، تولد و رشد و نمو یافته است. مشروعیت اساساً مفهومی است که معطوف به نگرش و دیدگاه مردم نسبت به نظام سیاسی و زمامداران می‌باشد. در این راستا، از مشروعیت حاکمان و نظام مسلط و موجود سخن به میان می‌آید و گفته می‌شود، نظام موجود در نزد مردم مشروعیت دارد. در تبیین مشروعیت به تعاریف متفاوتی بر می‌خوریم؛ برخی از مهمترین آنها عبارتند از: همسویی و هماهنگی میان نظام آرمانی و مطلوب با نظام مسلط و موجود، حقانی جلوه دادن قدرت سیاسی، توجیه قانونی اعمال قدرت، توانایی نظام به ایجاد و حفظ این باور که نهادهای سیاسی موجود، مناسب‌ترین نهاد برای جامعه است. یکی از اساسی‌ترین کارویژه‌های مشروعیت، سهل و آسان شدن تحقق قدرت برای صاحبان قدرت است و اصولاً در یک نظام مشروع، نیاز چندانی و شاید اساساً نیازی به کاربرد زور وجود ندارد، زیرا اقتدار به نحو وسیع و گسترده‌ای در جریان است.

یکی از نکات اساسی در مورد مشروعیت، رابطه‌ی آن با انقلاب است. این دو یک رابطه معکوس با یکدیگر دارند. آنگاه که نظام مسلط موجود در نزد مردم، دارای مشروعیت باشد، هیچ نیازی به انقلاب نیست. هنگامی انقلاب رخ می‌دهد که نظام موجود، مشروعیت خود را نزد مردم از دست بدهد. بنابراین در صورت فقدان یا ضعف شدید مشروعیت، انقلاب یک راه حل عملی برای رسیدن به مشروعیت جدید است. نظام بعد انقلاب، نظامی مشروع در نزد مردم است (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۲۴۳-۲۴۶). به عبارت دیگر، مشروعیت عبارت از آن است که اتباع، اقتدار دولت را پذیرفته و باور داشته باشند که نهادهای موجود، کارکردهای خود را به شایستگی انجام می‌دهند، به قانون عمل می‌کنند و از لحاظ اخلاقی شایسته هستند (آزر و دیگران، ۱۳۷۷: ۴۳).

۱. Legitimacy

## ۲-۱. تعریف مفهومی مشروعیت سیاسی

تعریفی را که در ادبیات پژوهشی، در طی چند دهه گذشته از مشروعیت سیاسی به عمل آمده می‌توان در ذیل سه تعریف کلی قرار داد که عبارتند از:

**مشروعیت سیاسی به عنوان تأیید گرایشی قواعد قدرت<sup>۱</sup>:** در این رویکرد، تعلق خاطر، وفاداری، تبعیت و تمایل احساسی تأییدآمیز شهروندان به نظام سیاسی و قانونی مترادف با مشروعیت تلقی می‌شود (Stryker, 1994: 85). بر مبنای این رویکرد اطلاعات و پیروی افراد از قواعد قدرت، ناشی از باور آن‌ها به حقانیت قواعد یا حق حکومت است. مکانیسم غالب در ایجاد این نوع مشروعیت، مکانیسم‌های هنجاری است که بر اساس آن‌ها حقانیت قواعد به یک باور درونی در افراد مبدل می‌شود و ضمانت اخلاقی پیدا می‌کند.

**مشروعیت سیاسی به عنوان موافقت رفتاری با قواعد قدرت<sup>۲</sup>:** در این رویکرد، مشارکت افراد در رفتارهایی که در یک چارچوب اجتماعی معین، نشانه رضایت و موافقت با نظام سیاسی شناخته می‌شود، معادل مشروعیت تلقی می‌گردد، مثل یادکردن سوگند وفاداری، شرکت در رأی‌زبانی یا شرکت در انتخابات (همان: ۸۶). بر اساس این رویکرد، رفتارهای موافقت‌آمیز افراد با نظام سیاسی از انگیزه‌های مختلفی نشأت گرفته و طیف گسترده‌ای از رفتارهای مشارکتی کاملاً فعال تا کاملاً منفعل را در بر می‌گیرد. مکانیسم غالب - نه فقط مکانیسم - در ایجاد این نوع مشروعیت، «مکانیسم ابزاری» است که با تکیه بر نتایج و پیامدهای رفتار، افراد را به شرکت در رفتارهای موافقت‌آمیز با نظام سیاسی بر می‌انگیزاند.

**مشروعیت سیاسی به عنوان سوگیری آگاهانه نسبت به قواعد الزام آور<sup>۳</sup>:** در این رویکرد، مشروعیت بر شناخت و آگاهی از قواعد دلالت دارد نه بر تأیید آن قواعد؛ شهروندان نیز به این علت که می‌دانند آن قواعد الزام آور هستند، با آن‌ها هم‌نوا می‌شوند؛ هر چند که ممکن است به لحاظ شخصی از آن قواعد قدرت حمایت نکنند. بر اساس این رویکرد، مبنای اولیه اطلاعات سیاسی، آگاهی افراد از الزام آور بودن قواعد قدرت است و لذا با افزایش عمق آگاهی و شناخت افراد از الزامات قانونی یا قواعد الزام آور و نهادی شده در نظام سیاسی، تمکین بیشتری نسبت به قواعد قدرت صورت می‌گیرد. مکانیسم غالب در ایجاد این نوع مشروعیت «مکانیسم‌های قانونی» یا رسمی است که ضمانت‌هایی را برای رعایت قواعد به وجود می‌آورند.

1. Legitimacy as attitudinal approval of rules

2. Legitimacy as behavioral consentorules

3. Legitimacy as cognitive orientation to bindingrules

### ۳. مردم سالاری

مردم سالاری را به عنوان برگردان فارسی واژه دموکراسی به کار برده اند. با این وجود، واژه مردم سالاری تنها بیانگر معنای لغوی دموکراسی نیست و شاید به گونه ای ضمنی حاوی نوعی دموکراسی است که بنا به مقتضیات، با شرایط بومی تطبیق یافته است. بر این اساس، مردم سالاری می تواند به صورت ایدئولوژی، مفهوم یا نظریه فهمیده شود. مردم سالاری به عنوان ایده بر پایه ی باور به حق انکارناپذیر مردم برای تصمیم گیری در مورد خودشان و تعهد به برابری ذاتی و بنیادین عامه مردم قرار دارد (Grugel, 2002: 12).

این تلقی به ظاهر ساده از مردم سالاری در هر دو عرصه اندیشه و عمل، پیچیدگی های فراوانی را از خود بروز داده است. مردم سالاری به طور مطلق، به معنای فرمانروایی مردم و یا حکومت مردم بر مردم است. از دو منظر می توان مردم سالاری را مورد بررسی قرار داد؛ گاه مراد از آن یک ایدئولوژی است. در این معنا مردم سالاری به عنوان یک ارزش، دارای مبانی هستی شناسی و انسان شناسی خاصی است. مرکز ثقل این دیدگاه «انسان مداری» است که هدف آن تحقق اراده ی آزاد انسان بدون هیچگونه قید و محدودیتی می باشد. روشن است که این قرائت از مردم سالاری نمی تواند با دین سازگار باشد چراکه نظام مبتنی بر آن، بدون در نظر گرفتن محدودیت انسان قوانین ساخته شده دست بشر را جایگزین قوانین الهی می کند و رضایت مردم را در تأمین خواست آنان جست و جو می کند هر چند رضایت خداوند نادیده گرفته شود.

گاه مراد از مردم سالاری و دموکراسی یک «روش» است. در این معنا، مردم سالاری روشی است برای محدود کردن قدرت که مفسده ملزمی دارد و این روش می تواند دینی باشد. از این رو، مردم سالاری دینی روشی است برای تحقق بخشیدن به احکام خدا و تأمین نیازهای واقعی مردم؛ در این معنا مبنای مشروعیت نظام، انطباق با قوانین الهی است و رأی مردم منشأ مقبولیت و به صحنه آوردن حکومت مشروع می باشد.

مردم سالاری دینی اصطلاحی جدید با محتوایی قدیم است. بحث درباره مردم سالاری دینی با پیروزی انقلاب اسلامی و با طرح موضوعاتی چون جمهوری اسلامی و نه جمهوری و ... رخ نموده است؛ ولی این واژه، نخستین بار طی سال های اخیر، از سوی مقام معظم رهبری برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی به کار رفت و سپس مورد توجه جدی تر نویسندگان و تحلیلگران قرار گرفت. به عبارتی مردم سالاری دینی برداشتی خاص از مردم سالاری و الگویی از نظام سیاسی اسلامی است که در آن مرجعیت دین (اسلام) در تبیین و توجیه عناصر اصلی مردم سالاری (قدرت جمعی و مشارکت مردمی) به رسمیت شناخته می شود (میراحمدی، ۱۳۸۸: ۳۰-۶۹). همانگونه که رابرت دال می گوید، مردم سالاری گسترده نیازمند نهادهای زیر است:

مقام های منتخب

انتخابات آزاد، منصفانه و مکرر

آزادی بیان

منابع بدیل اطلاع‌رسانی

• تشکل‌های مستقل

شهروندی ادغامی(حکومت مردم‌سالار همه شهروندان را شامل شود)(دال، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

نظام سیاسی هنگامی مردم‌سالار نامیده می‌شود که در آن، صاحبان قدرت از سوی مردمی که حق رأی آزاد دارند و در انتخابات رقابت آمیز و آزاد شرکت می‌جویند، انتخاب شوند. به عبارت دیگر، مردم‌سالاری به معنای آفرینش فرآیند آزاد و عادلانه انتخابات برای جایگزینی قدرت سیاسی است (Grugel, 2002: 31). با توجه به تعریف‌هایی که گذشت می‌توان مشخصات اصلی مردم‌سالاری را، مشارکت مردمی در مسائل سیاسی، آزادی، تساوی در برابر قانون و مقبولیت نظام سیاسی حاکم(رضایت مردم) دانست:

**مشارکت مردمی در مسائل سیاسی:** شرکت آحاد مردم به‌عنوان شهروند یا فرمانبردار، برای برنامه‌ریزی و اجرا در حوزه‌های حکومتی، بخصوص قوه مقننه و مجریه از مشخصه‌های مردم‌سالاری است که در اسلام هم مورد توجه قرار گرفته است؛ نوع حداقل و عمومی این مشخصه شرکت در انتخابات، برای برگزیدن نمایندگان از احزاب و افراد و ... است. در حکومت مطلوب اسلام، مشارکت مردمی به‌عنوان ویژگی یک جامعه‌ی پیشرفته و مردم‌سالار از جمله اصول پذیرفته شده است. این حکومت با مشارکت همه جانبه مردم اداره می‌شود بنابراین مردم در تحقق یکی از مهم‌ترین ارکان حکومت یعنی رهبری، باید مشارکت فعال داشته باشند و رهبری را که واجد شرایط است برای رهبری و اداره‌ی امور جامعه انتخاب نمایند. نقش مردم تنها در انتخاب رهبر نیست، بلکه پس از انتخاب هم مردم باید حضور فعالی داشته باشند.

همچنین اسلام به رهبران نیز توصیه می‌کند در هر صورت، با مردم مشورت کنند. امروزه در نظام‌های دموکراتیک مرسوم است که احزاب و افراد پس از گرفتن رأی از مردم خود را موظف به ارتباط و تماس و مشورت با مردم نمی‌دانند. احزاب پس از سپری شدن زمان انتخابات و به دست آوردن رأی لازم، بر اساس دیدگاه خود عمل می‌کنند؛ در حالی که اسلام توصیه می‌کند کسانی که در جایگاه اداره جامعه قرار می‌گیرند، باید در تماس مستمر با مردم خود باشند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت با مردم، حضور مردم در انتخابات است. تشکیل قوه مقننه و مجلس قانونگذاری نیز با همین اصل در اسلام به اثبات می‌رسد(مصباح، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

**آزادی:** وقتی از آزادی سخن گفته می‌شود، در یک نگاه کلی از آن دو معنا به ذهن خطور می‌کند: یکی، به معنای اختیار که انسان‌ها به صرف انسان بودن واجد آن هستند و نمی‌توان انسانی

را فرض کرد که واجد این آزادی نباشد و دیگری، آزادی به معنای حق عمل اجتماعی که در چارچوب زندگی اجتماعی-سیاسی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بدیهی است که در زندگی اجتماعی نوع دوم آزادی مورد نظر است، ولی با وجود این، در اسلام وقتی که به مفهوم آزادی توجه می‌کنیم، آزادی با هر دو مفهوم آن را می‌یابیم.

در نوع اول، توجه اسلام به امری است که به رابطه انسان و خداوند مربوط می‌شود و تکالیفی که خداوند از انسان می‌خواهد؛ در عین حال که برای کارهای خوب و بد او پاداش و عقاب تعیین کرده اما در هر حال، انتخابگر اصلی انسان است و به عبارت دیگر، خدا هر دو راه خیر و شر را به انسان نشان داده است، ولی اختیار با اوست که هر کدام را خواست انتخاب کند. در آزادی اجتماعی نیز اسلام به همه‌ی شقوق آزادی، اعم از آزادی عقیده، آزادی بیان و سایر اقلام آزادی توجه داشته است.

در کنار همه اینها، در اسلام نوع دیگری از آزادی تحت عنوان «آزادی درونی یا معنوی» مطرح شده است و بدین معناست که انسان بر نفس خود مسلط شود و غرایز خود را مهار کند (مطهری، ۱۳۷۳: گفتار اول و دوم). از این منظر، انسانی آزاد است که بتواند بر قوای خود مسلط بوده و اسیر امیال درونی نباشد. انسان همانگونه که در اجتماع ممکن است اسیر قدرتمندان و ستمگران باشد و در جامعه بسته‌ای که سلطه‌گران فراهم می‌کنند نتواند اندیشه‌ی خود را شکوفا کند یا سخن خود را بیان نماید و یا از خود اراده و اختیاری داشته باشد، ممکن است اسیر امیال درونی خود نیز باشد و به نوعی دیگر آزادی از او سلب شود. همانگونه که آزادی‌های اجتماعی، انسان را از سلطه دیگران رهایی می‌بخشد و موانع رشد و تکامل بیرونی او را برطرف می‌کند، آزادی معنوی نیز موانع درونی او را برطرف می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۹).

**برابری و مساوات در برابر قانون:** برابری و مساوات در برابر قانون، یکی از اصول مورد توجه در اسلام است. از این رو تمام آحاد جامعه از حاکم تا فرمانبر در استفاده از فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی برابر تلقی می‌شوند و موقعیت و جایگاه هیچ کسی منشأ امتیاز خاصی نسبت به بقیه افراد جامعه نیست و به همین دلیل، از منظر اسلامی هر گونه برخورداری از شرایط منحصر به فرد در جهت بهره‌مندی از امکانات و قانون‌پذیری مردود شمرده شده است.

**مقبولیت نظام سیاسی حاکم (رضایت مردم):** اختیار و قدرت یکی از مهمترین اصولی است که بر اساس فهم شیعی از اسلام مورد پذیرش اندیشمندان قرار گرفته است و همین اصل، زمینه تکلیف مداری و پاسخگویی انسان‌ها را در پیشگاه خداوند متعال توجیه می‌کند (مصباح، ۱۳۷۶: ۲۱). زیرا اگر انسان‌ها در شکل‌گیری اعمال و رفتارهای خود صاحب اختیار نبودند تکلیف و مسئولیت آنها در برابر اعمال خویش بی‌معنا می‌شد. مردم در شکل‌گیری نظام سیاسی حاکم مثل سایر رفتارهای خود نقش اساسی خواهند داشت و نمی‌توان بدون خواست و رضای آنها الگوی خاصی از

حکومت را بر آنها تحمیل کرد. علاوه بر این، از منظر جامعه شناختی نیز اگر حکومتی بدون رضایت و مقبولیت مردمی شکل بگیرد، در انجام کارویژه‌های خود دچار مشکل شده و نمی‌تواند در عمل کارآمد باشد. به همین دلیل از منظر اسلام، حاکم باید مورد پذیرش مردم قرار گیرد؛ زیرا بدون مشارکت و همکاری مردم فاقد قدرت اجرایی خواهد بود و نمی‌تواند احکام اسلامی را اجرا کند (مصباح، ۱۳۸۸: ۴۴). بنابراین، در اندیشه سیاسی اسلام هر چند مشروعیت حکومت از ناحیه خداوند است، ولی با وجود این، هیچ حکومتی مجاز نیست بدون رضایت مردم حاکمیت خود را به زور بر مردم تحمیل کند، بلکه حکومت مشروع باید در تعامل با مردم شکل واقعی خود را پیدا نماید تا در عمل نیز بتواند کارآمد باشد.

#### ۴. مردم‌سالاری و انتخابات

اساس مردم‌سالاری بر انتخابات است و تعیین اکثریت و اقلیت نیز تنها از همین رهگذر ممکن می‌شود. انتخابات در نظام‌های دموکراتیک، سه کارکرد اساسی دارد که عبارتند از: تعیین حکومت‌گران، تعیین سیاست کلی حکومت و گرایش‌های سیاسی و سرانجام، اعطا یا سلب مشروعیت از قدرت عمومی یعنی حکومت است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۱). شرط رسیدن به مردم‌سالاری، مشارکت گسترده مردم در شکل‌گیری قدرت است به گونه‌ای که ورود به مناصب سیاسی برای همگان مهیا باشد. بنابراین، نهاد انتخابات همگانی در هر کشوری، پیش‌زمینه تحقق مردم‌سالاری است. انتخابات در برگیرنده مجموعه عملیات پیش‌بینی شده در قوانین یا آیین‌نامه‌های اجرایی کشورها در راستای گزینش حکومت‌گران به‌منظور مهار قدرت است که در این میان، احزاب به نظرگاه‌های پراکنده انتخاب‌کنندگان و در نهایت سامان‌دهی اهداف انتخابات کمک می‌نمایند (غفوری، ۱۳۷۸: ۱۴۸).

انتخابات یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی و مفسر نقش مردم در حکومت است. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در انتخابات، نشانگر رابطه حکومت و مردم و وضعیت اجتماعی آنان می‌باشد (سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸: ۱۵)؛ در واقع، انتخابات ابزار عملیاتی سازی حکومت مردم است. در جوامع متکثر امروزی، انتخابات یگانه راه کسب مشروعیت و حقانیت نظام‌های سیاسی است؛ اما همواره چنین نیست که برگزاری انتخابات نشانگر حکومت مردم باشد. آن هنگام انتخابات سیمایی مردمی خواهد یافت که در چارچوب آزادی کامل، گزینه‌های مختلف و برخاسته از مردم و بر اساس قانون مردمی برگزار شود. بر این پایه، انتخاباتی مردمی است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:



**حاکمیت مردم:** هنگامی انتخابات مردمی است که بر رضایت و خواست مردم استوار باشد. از این رو، پیش زمینه آن وجود قانون انتخاباتی است که ابعاد مختلف آن را مردم مشخص و تصویب کرده باشند.

**بازتاب اراده اکثریت:** در انتخابات مردمی، خواست و مطالبه اکثریت مردم، معیار و میزان و نتیجه انتخابات انگاشته می شود.

**حق اقلیت:** با پذیرش این حقیقت که خواست و مطالبه اکثریت، میزان انتخابات مردمی است، باید حقوق اقلیت به طور کامل رعایت شود و در غیر این صورت، مردمی نخواهد بود. هر چند اقلیت ناچار به پذیرش نظر اکثریت باشد.

**آزادی انتخابات:** آحاد جامعه باید در چارچوب قانون برای انتخاب شدن و انتخاب کردن آزاد باشند. به دیگر سخن، هر کس مجاز باشد خود یا فرد مورد نظر خود را نامزد کند و هر شخصی آزاد و مجاز است به هر نامزدی که گرایش دارد، رأی دهد.

**برابری همه شهروندان:** اگر همه شهروندان در انتخابات، همسان و برابر قلمداد شوند، آنگاه انتخابات می تواند آزاد یا مردمی باشد. برابری باید در نامزدشدن و نیز ارزش آرای همه شهروندان اعمال شود.

**کثرت گرایی:** انتخابات مردمی، انتخاباتی است که همه دیدگاه های جامعه بتوانند، در قالب قانون مردمی، در آن شرکت کنند.

**مشارکت عامه:** انتخابات مردمی باید به گونه ای تنظیم شود که همه افراد بالغ جامعه مجاز به شرکت در آن باشند. از سوی دیگر، باید شمار رأی دهندگان زیاد باشد و سهم حضور یابندگان در پای صندوق های رأی، از کل جامعه نیز بالا باشد (عزتی، ۱۳۸۴: ۳).

در قانون اساسی به عنوان پشتوانه نظری نظام سیاسی حاکم، تأکید شده است

«در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آراء عمومی اداره شود، از راه انتخاب: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ششم)

همچنین در اصل سوم قانون اساسی، مشارکت مردم، آزادی های اجتماعی و سیاسی، برابری و رفع تبعیضات ناروا مورد تأکید قرار گرفته است. شهید مطهری معتقد است در عبارت «جمهوری دموکراتیک اسلامی» کلمه دموکراتیک حشو و زاید است؛ زیرا در خود اسلام آزادی فردی و دموکراسی وجود دارد (مطهری، ۱۳۷۱: ۹۹). بنابراین، به نظر می رسد از نظر ایشان، دموکراسی چیزی جدای از اسلام نیست، بلکه جزئی از آن می باشد و به همین دلیل ضرورتی ندارد از واژه

«دموکراتیک» در عبارت بالا استفاده شود. در مقابل، اگر دموکراسی به سازوکارهای دموکراتیک از قبیل انتخابات، تفکیک قوا و ... تفسیر شود، در این صورت، مسلماً ارتباط ناگسستنی با حکومت دینی پیدا نمی‌کند و می‌تواند در گذر زمان تحولاتی را پذیرفته و یا بطور کلی حذف شود.

## ۵. ویژگی‌های مردم سالاری دینی

نیروی محرکه پیروزی انقلاب اسلامی مردم بودند و مذهب تنها عنصر مشترکی بود که همه نیروهای انقلابی را دور هم جمع کرد. بنابراین پس از انقلاب، این عنصر باید مهمترین نقش را در ساختار سیاسی جدید ایران بازی می‌کرد. حکومت اسلامی با رأی مردم به وجود آمد که امروزه همراه با اساس ولایت فقیه با عنوان مردم سالاری دینی یاد می‌شود. در چارچوب مردم سالاری دینی حاکمیت از آن خداست و هم اوست که به نیازها و کمبودهای انسان آشنایی دارد و برای جبران آنها قوانین خاصی را مقرر داشته است. در این دیدگاه، خواست مردم در چارچوب احکام دینی پذیرفته است. از آن طرف، مردم مسلمان هم خواهان اجرای دستورات الهی‌اند و بر اساس دین الهی در حکومت مشارکت می‌کنند و خواسته‌هایشان نیز فراتر از دین نخواهد بود.

در مردم سالاری دینی، اگر چه مبنای پذیرش، رأی و نظر مردم است، از ارزش‌ها و فضائل اخلاقی نیز غفلت نمی‌شود، بلکه محوریت با ارزش‌هاست و حکومت اسلامی حق ندارد به بهانه مردم داری، روش تساهل نسبت به ارزش‌های دینی را پیش بگیرد. مقام معظم رهبری در این باره می‌گویند:

«روش‌هایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روش‌های اخلاقی باشند. در اسلام کسب قدرت به هر قیمت وجود ندارد و روش‌ها خیلی مهم‌اند» (وب سایت <http://farsi.khamenei.ir>).

در تعریف مردم سالاری باید گفت که ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم در چارچوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق مداری، خدمت محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند (درویش، ۱۳۸۲: ۵)؛ همین توجه به مردم سالاری در کلام و عمل امام علی علیه‌السلام نیز وجود دارد، به گونه‌ای که حکومت صالح را به خواست اکثریت مردم یک جامعه وابسته می‌داند. ایشان بیان می‌کنند:

«به جان خود قسم، اگر امامت جز با حضور همه مردم بر پا نشود پس چنین امری امکان‌پذیر نیست، بلکه آن مردمی که حضور یافته‌اند، از طرف غایبین نیز تصمیم‌گیری می‌کنند و کسی که حاضر بوده است حق رجوع از تصمیم خود را ندارد و آن کسی هم که غایب بوده، حق انتخاب را از خودش سلب کرده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که به مثابه نظام است، توجهی ویژه به مردم سالاری کرده و از جمله حقوقی که برای مردم بر شمرده است، حقوق سیاسی از جمله مشارکت و نظارت همه جانبه است. البته این مشارکت سیاسی حتی شامل حزب‌ها و گروه‌های سیاسی نیز می‌شود. اما مهم‌تر از همه توجه به مردم سالاری دینی در اندیشه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه پایه‌گذار جمهوری اسلامی است. مفهوم مردم سالاری دینی در بیانات امام خمینی به دو شکل به کار گرفته شده است: نخست، دموکراسی مطلوب و مثبت و دیگری، دموکراسی نامطلوب و به تعبیر امام، غیر حقیقی و جعلی که در مغرب زمین بنا نهاده شده است و از نظر ایشان دموکراسی نیست. برخی ویژگی‌های مردم سالاری مطلوب امام خمینی رحمت‌الله‌علیه عبارتند از:

**نفی استبداد:** ایشان در این باره می‌فرماید: «اصول دموکراسی، در تضاد با رژیم شاه قرار دارد» (صحیفه امام، ج ۲: ۵۰).

**تأمین و حفظ آزادی:** ایشان با اشاره به این مطلب که «هیچ کس مثل اسلام، آزادی طلب نیست»، به طور مشخص به دو نوع آزادی موجود در مردم سالاری مطلوب خود اشاره کرده‌اند؛ نخستین آزادی مدنظر ایشان را می‌توان آزادی مشارکت سیاسی دانست. ایشان، آزادی مردم در انتخابات را از جمله مبانی مردم سالاری دانسته‌اند. آزادی بیان و عقیده دومین نوع آزادی است که امام دموکراسی مطلوب خویش را بانی و حافظ آن معرفی کرده‌اند: «در اسلام، دموکراسی مندرج است و مردم در میان عقاید آزادند» (صحیفه امام، ج ۸: ۲۳۴).

**نشأت گرفته از اسلام:** از جمله مشخصات محوری مردم سالاری مطلوب، ارتباط و پیوستگی مردم سالاری با اسلام است. در واقع دموکراسی مطلوب مندرج در اسلام است و تنها در لوای اسلام دموکراسی صحیح پیاده می‌شود. حضرت امام رحمت‌الله‌علیه ضمن منحصر ساختن دموکراسی صحیح به دموکراسی موجود در اسلام می‌فرمایند «ما به دنیا خواهیم فهماند که معنی دموکراسی چیست» (همان). مردم سالاری دینی همچنین جایگاه ویژه‌ای در بیانات رهبری دارد. ایشان در تبیین معنای مردمی گفته‌اند:

«مردمی بودن حکومت، یعنی نقش دادن به مردم در حکومت ... یک معنای دیگر برای مردمی بودن حکومت اسلامی این است که حکومت اسلامی در خدمت مردم است. آنچه برای حاکم مطرح است، منابع عامه مردم است ... اسلام به هر دو معنا، دارای حکومت مردم سالاری است» (در مکتب جمعه، ۱۳۶۴: ۷).

در کل ویژگی‌های مردم سالاری دینی عبارتند از:

**مشارکت عمومی:** از آنجا که خداوند بر هستی حاکم است و انسان را بر سرنوشت خود حاکم کرده است، بنابراین در مردم سالاری دینی امور کشور به اتکای آرای عمومی مردم اداره می‌شود. لازمه چنین مشارکتی، رشد سیاسی مردم است.

**قانون محوری و قانون مداری:** دین اسلام رعایت قوانین شرعی و عمل به آنها را از واجبات می‌داند. مقام معظم رهبری تحقق تمام آرمان‌ها و اهداف را در سایه قانون و عدالت ممکن می‌داند. در نظام اسلامی باید همه افراد در برابر قانون و استفاده از منابع میهن اسلامی، یکسان باشند.

**شایسته سالاری:** باید عادل‌ترین، آگاه‌ترین و با تدبیرترین افراد به سمت کارگزاری حکومت اسلامی گمارده شوند. از دیدگاه رهبری، حاکم دو پایه دارد: داشتن صفاتی که اسلام برای حاکم تعیین کرده است و قبول مردم.

**نظارت و مشورت:** پس از تشکیل حکومت دینی، مردم موظف به حضور در صحنه سیاست و نظارت بر کارگزاران هستند. حاکم در چنین جامعه‌ای نیز باید از دیدگاه‌های مردم در مورد مسائل آگاه باشد که این ویژگی‌ها دلالت قرآنی نیز دارد که در آیه ۳۸ شوری به آن اشاره شده است: «مؤمنان امورشان را بر اساس شوری انجام می‌دهند».

**پیشرفت:** در این مورد حکومت باید هم به پیشرفت مادی و هم معنوی جامعه توجه کند. به عبارت دیگر، این پیشرفت چند بعدی است و این یکی از تفاوت‌های مردم سالاری دینی با الگوهای غربی است (اسحاقی، ۱۳۸۷: ۷-۱۲).

## ۶. کارکرد و کارآمدی مردم سالاری دینی

یکی از مباحث مهم در هر نظام سیاسی کارکرد و کارآمدی حکومت است. کارکرد به فرآیند دستیابی به اهداف خاصی اشاره دارد و کارآمدی زمانی است که به آن اهداف خاص دست یافته باشیم. مفهوم دیگر کارکرد نتایج و آثار عینی و قابل مشاهده نهاد اجتماعی است که از درون ساختار بیرون می‌آید و تحت تأثیر آن است (فکوری، ۱۳۸۹: ۱۸). در فرهنگ علوم سیاسی اصطلاح کارآمدی به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶). در یک جمله می‌توان گفت، کارآمدی عبارت از «موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع» است. از جمله هدف‌هایی که در نظام مردم‌سالاری دینی مورد توجه قرار دارند، می‌توان به تحقق عدالت، برقراری امنیت، تأمین رفاه عمومی، احیای حق، دفع باطل و تعامل صحیح بین حکومت و مردم اشاره کرد.

کارآمدی یک نظام سیاسی توسط مردم آن کشور تأیید می‌شود که مشروعیت یکی از شاخصه‌های آن است و اگر قرار باشد مصداق عینی برای این تأیید یافت شود، بی‌شک، یکی از بهترین مصداق‌ها، انتخابات و مشارکت مردم در آن است. چنین سازوکاری در جمهوری اسلامی نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر دو سال یکبار فرآیند انتخابات در این کشور برگزار می‌شود. تغییر

فرهنگ اقتدارپذیری مردمی که قبلاً تجربه سیاسی ملی نداشته‌اند، به فرهنگ مشارکت جویانه اولین کارکرد و هدفی بود که جمهوری اسلامی به آن رسید و تا به امروز نهادینه شده است (نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

یکی از بزرگترین دستاوردهای جمهوری اسلامی، ایجاد شرایطی بود تا مردم بتوانند در فرآیند سیاسی کشور از ابتدا نقش پیدا کنند. رأی‌گیری برای قانون اساسی و تأیید ۹۸/۲ درصدی مردم اولین نتیجه این شرایط بود که بیانگر این است که نظام جدید به ایده‌آل ذهنی مردم نزدیک است. بیشتر پست‌های سیاسی و همه مسئولیت‌های اجرایی این کشور با انتخابات سروکار دارند. مقایسه مشارکت مردم در انتخابات نسبت به کشورهای دموکراتیک حمایت گسترده مردم از نظام مردم سالاری دینی را نشان می‌دهد.

## ۷. مجلس ( پارلمان )، نظام‌های انتخاباتی و انواع آن

اصطلاح پارلمان برگرفته از واژه فرانسوی *parler* به معنای گفت و گو، صحبت کردن و مذاکره کردن است (فدایی مهربانی، ۱۳۹۴: ۳۱۲). در تعریف مجلس یا پارلمان سخن بسیار و تعاریف زیادی به کار برده‌اند اما در یکی از عام‌ترین تعاریف، پارلمان را قلب تپنده‌ی دموکراسی گفته‌اند که یکی از پایه‌های سه گانه حکومت را تشکیل می‌دهد. این امر به اندازه‌ای مهم است که می‌توان ماهیت دولت‌ها را بر بنیاد (چگونگی پارلمان و چگونگی انتخابات) آنها شناخت (وزیری، ۱۳۸۸: ۳۸).

پارلمان در کشورهای مختلف اصلی‌ترین ابزار تحقق اراده‌ی مردم است، زیرا نمایندگان آن مستقیماً از سوی مردم انتخاب می‌شوند. نمایندگان در مقابل رأی مردم، متعهد می‌شوند که خواسته‌های آنان را پیگیری کنند. مهمترین وظیفه نمایندگان مجلس، قانون‌گذاری است و این امر معمولاً دارای حدود مشخصی است که توسط قانون اساسی کشورها مشخص می‌شود (فدایی مهربانی، ۱۳۹۴: ۳۲۰).

پارلمان‌ها به طور کلی بر اساس توانایی خود در تأثیرگذاری بر سیاست دسته‌بندی می‌شوند. پارلمان‌های تأثیرگذار بر سیاست می‌توانند سیاست‌ها را تنها از طریق عکس‌العمل به ابتکارات قوه مجریه به کلی تغییر دهند. پارلمان‌ها بین دولت و مردم ارتباط برقرار می‌کنند و کانالی ارتباطی‌اند که هم می‌توانند از دولت حمایت و نظام سیاسی را تقویت کنند و هم دولت‌ها را به پاسخگویی به تقاضاهای عمومی جامعه مجبور گردانند (هیوود، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

منظور از نظام‌های انتخاباتی، اتخاذ روش‌هایی است که نتایج آن در نهایت به بهترین شکل بازتاب دهنده‌ی گرایش‌های شهروندان و رأی دهندگان می‌باشد یعنی ترکیب اعضای پارلمان، کم و بیش الگویی از ترکیب افکار، احزاب و گروه‌های سیاسی می‌باشد و تصویر صادقی از دیدگاه‌های

جامعه ارائه کند. پس نظام‌های انتخاباتی، سازماندهی روش‌هایی برای رسیدن به این هدف هستند و طبعاً با انواع رأی و روش‌های رأی‌گیری تفاوت دارند. قوانین انتخاباتی کشورهای مختلف، هر یک به روشی توسل جسته‌اند و هواداران هر یک از این نظام‌ها به مزایای اجرایی یا سیاسی آن استناد می‌کنند و در راستای اثبات حقانیت شیوه خود، دلایلی دارند (قاضی، ۱۳۸۳: ۶۱۷). در تعریف نظام انتخاباتی گفته می‌شود که نظام انتخاباتی، روشی است برای تبدیل رأی‌ها به کرسی‌های نمایندگی برای احزاب و کاندیداها. اهمیت نظام‌های انتخاباتی در این مبحث نهفته است که نهادها و مؤسسه‌های سیاسی، آن را محل اجرای قواعد بازی سیاسی و تمرین دموکراسی می‌دانند و بارها شنیده شده است که نظام‌های انتخاباتی، بهترین گذرگاه برای دستیابی به دموکراسی هستند یا اینکه کدام سیاست و نظام انتخاباتی برای این منظور بهتر یا بدتر است. نظام انتخاباتی مشخص می‌کند که چه کسی برنده انتخابات شده است و چه حزبی قدرت سیاسی را به دست گرفته است.

## ۷-۱. نظام‌های اکثریتی<sup>۱</sup>

قاعده نظام‌های اکثریتی بسیار ساده است. پس از آنکه آراء به صندوق انداخته شد و شمارش آن‌ها صورت گرفت، آن کاندیداها یا احزابی که در حوزه انتخابیه‌ی خود بیشترین آراء را کسب کرده باشند، پیروز انتخابات معرفی می‌شوند. بر این اساس، می‌توان پنج نوع نظام اکثریتی را از هم بازشناخت: «نظام اکثریتی ساده یا نسبی»<sup>۲</sup>، «نظام رأی دسته جمعی»<sup>۳</sup>، «نظام رأی دسته جمعی حزبی»<sup>۴</sup>، «نظام انتخاباتی رأی بدیل»<sup>۵</sup> و «نظام دو مرحله‌ای»<sup>۶</sup>.

**نظام اکثریتی ساده یا نسبی:** این نظام انتخاباتی ساده‌ترین شکل نظام‌های اکثریتی است (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۵ و ۲۶۶). در این نظام وسعت حوزه‌های انتخابیه (یعنی تعداد نمایندگان هر حوزه) یک است؛ همچنین رأی‌دهی در این نظام کاندیدا محور است، یعنی رأی‌دهندگان به کاندیداها رأی می‌دهند نه به احزاب؛ شیوه انتخاب نمایندگان در این نظام به این صورت است که ابتدا کل کشور به تعداد زیادی حوزه انتخابیه‌ی تک نماینده‌ای تقسیم می‌شود، سپس فهرست اسامی کاندیداها در هر حوزه در اختیار رأی‌دهندگان همان حوزه قرار می‌گیرد. در مرحله بعد رأی‌دهندگان از میان اسامی کاندیداها یک کاندیدا را انتخاب می‌کنند و نام وی را روی برگه‌ی رأی‌دهی می‌نویسند و یا جلوی نام وی علامت می‌گذارند. کاندیدای پیروز در هر حوزه کسی است که نسبت به سایر کاندیداها بیشترین آراء را در آن حوزه از آن خود کرده است.

1. *Systems majoritaires*

2. *First past the post*

3. *Block vote*

4. *Party block vote*

5. *Alternative vote*

6. *Two round system*

**نظام رأی دسته جمعی یا گروهی:** این نظام نیز همانند نظام اکثریتی ساده کاندیدا محور است، یعنی در این نظام، رأی دهندگان به کاندیداها رأی می‌دهند و نه به احزاب سیاسی. با این حال در این نظام، برخلاف نظام اکثریتی ساده، وسعت حوزه‌های انتخابیه بیش از یک است. به عبارت دیگر در این نظام از هر حوزه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (لاندن، ۱۳۸۹: ۴۱). همچنین ساختار برگه‌های رأی‌دهی در این نظام متفاوت از نظام قبلی است، به این معنا که رأی‌دهندگان به جای نوشتن نام یک کاندیدا بر روی برگه‌های رأی‌دهی به اندازه تعداد نمایندگانی که قرار است از آن حوزه انتخابیه انتخاب شوند، حق رأی دارند (فارل، ۱۳۹۰: ۸). نحوه انتخاب نمایندگان در این نظام انتخاباتی به این ترتیب است که ابتدا کل کشور از طریق نهادی که مسئول ترسیم مرزهای انتخاباتی است به تعداد زیادی حوزه‌ی انتخابیه‌ی چند نماینده‌ای تقسیم می‌شود، سپس اسامی کاندیداها را هر حوزه‌ی انتخابیه در اختیار رأی دهندگان آن حوزه قرار می‌گیرد. رأی دهندگان از میان این اسامی، متناسب با تعداد نمایندگان آن حوزه، تعدادی را بر می‌گزینند و اسامی آنها را بر روی برگه‌های رأی‌دهی می‌نویسند. کاندیداها پیروز در هر حوزه نسبت به سایر کاندیداها رأی بیشتری کسب کرده‌اند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۰-۷۱).

**نظام انتخاباتی رأی دسته جمعی حزبی:** در این نظام مانند نظام رأی دسته جمعی، وسعت حوزه‌های انتخابیه بیش از یک است، یعنی در این نظام انتخاباتی از هر یک از حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (همان: ۷۱-۷۳) با این حال، این نظام انتخاباتی برخلاف دو نظام انتخاباتی قبلی، حزب محور است نه کاندیدا محور. به این معنا که در این نظام رأی دهندگان به جای انتخاب یک یا چند کاندیدا به یک حزب رأی می‌دهند. شیوه‌ی انتخاب نمایندگان در نظام انتخاباتی رأی دسته جمعی حزبی به این شکل است که ابتدا کشور به حوزه‌های انتخابیه‌ی متعدد تقسیم می‌شود و سپس هر حزبی که مایل به شرکت در انتخابات آن حوزه است، لیستی از کاندیداها را خود در آن حوزه ارائه می‌کند. رأی دهندگان از میان لیست‌های حزبی مختلف یک لیست را انتخاب می‌کنند. هر لیستی که نسبت به سایر لیست‌های حزبی آرای بیشتری به دست آورد پیروز انتخابات آن حوزه است.

**نظام انتخاباتی رأی بدیل:** در نظام انتخاباتی رأی بدیل، وسعت حوزه‌های انتخابیه یک است، یعنی از هر حوزه‌ی انتخابیه فقط یک نفر انتخاب می‌شود (لاندن، ۱۳۸۹: ۴۸). این نظام انتخاباتی کاندیدا محور است. در این نظام، ابتدا کل کشور به تعداد زیادی حوزه‌ی انتخابیه‌ی تک نماینده‌ای تقسیم می‌شود، سپس لیست کاندیداها را هر حوزه‌ی انتخابیه در اختیار رأی دهندگان آن حوزه قرار می‌گیرد، اما رأی‌دهندگان به جای انتخاب یک نفر از کاندیداها این لیست، بایستی اقدام به رتبه‌بندی کل کاندیداها را لیست کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۳). این شیوه‌ی رأی‌دهی به «رأی‌دهی ترجیحی» یا «رأی‌دهی مبتنی بر اولویت‌دهی» معروف است (لاندن، ۱۳۸۹: ۴۹). شیوه‌ی مشخص شدن کاندیدای پیروز هم در نظام رأی بدیل متفاوت از نظام اکثریتی ساده است. در نظام

انتخاباتی رأی بدیل، کاندیدای پیروز، باید اکثریت مطلق آراء را به دست آورد؛ به این معنا که کاندیدای پیروز هر حوزه‌ی انتخابیه کسی است که نصف به علاوه یک اولویت‌های اول را از آن خود کند؛ کاندیدایی که کم‌ترین اولویت اول را کسب کرده است، از شمارش آراء حذف می‌شود و آرای او بین کاندیداهای باقی مانده تقسیم می‌شود. این فرآیند آنقدر تکرار می‌شود تا بالأخره یکی از کاندیداها اکثریت مطلق اولویت‌های اول را از آن خود کند و به‌عنوان پیروز انتخابات معرفی شود.

**نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای:** ویژگی اصلی نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای، همانطور که از نام آن برمی‌آید، عبارت است از اینکه انتخابات نه در یک مرحله بلکه در دو مرحله، که اغلب به فاصله‌ی یک یا دو هفته از یکدیگر برگزار می‌شوند، صورت می‌گیرد (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۹). در مرحله نخست معمولاً از نظام اکثریتی ساده استفاده می‌شود، با این حال، این امکان وجود دارد که در حوزه‌های انتخابیه‌ی چند نماینده‌ای در مرحله نخست از نظام رأی دسته جمعی یا نظام رأی دسته جمعی حزبی نیز استفاده شود. چنانچه در مرحله نخست کاندیدا یا حزبی بتواند به اندازه‌ی حد نصاب تعیین شده (که معمولاً اکثریت مطلق آرای معتبری است که به صندوق ریخته شده) رأی کسب کند در همان مرحله نخست انتخاب می‌شود. با این حال، در صورتی که در مرحله نخست هیچ یک از کاندیداها و یا احزاب موفق به کسب رأی به اندازه حد نصاب تعیین شده نشوند، آنگاه مرحله دوم رأی‌گیری برگزار می‌شود و پیروز این مرحله کاندیدا یا حزب منتخب معرفی می‌شود (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۹). نحوه‌ی برگزاری مرحله دوم از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. رایج‌ترین شیوه راهیابی دو کاندیدای برتر مرحله نخست به مرحله دوم است. با این حال در برخی از کشورها همه‌ی کاندیداهایی که حد نصاب مشخصی از آراء را کسب کرده باشند به مرحله دوم راه می‌یابند. در مرحله دوم معمولاً از نظام اکثریتی ساده استفاده می‌شود، به این معنا که در این مرحله هر کاندیدا یا حزبی که نسبت به سایر کاندیداها یا احزاب رأی بیشتری کسب کند پیروز انتخابات است (رینولز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۷).

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۲-۷. نظام‌های انتخاباتی تناسبی

اصل بنیادین تمامی نظام‌های تناسبی تبدیل آگاهانه سهم یک حزب از آراء به کرسی‌های پارلمانی متناسب با آن آراء است. نظام تناسبی مستلزم وجود حوزه‌های انتخابیه‌ای هستند که از آن‌ها بیش از یک نفر انتخاب شود. هر چه تعداد نمایندگان که قرار است از یک حوزه انتخابیه انتخاب شوند بیشتر باشد، نظام انتخاباتی تناسبی‌تر خواهد بود. نظام‌های انتخاباتی تناسبی به‌طور کلی به دو دسته «نظام‌های تناسبی لیستی»<sup>۱</sup> و «نظام تک رأی قابل انتقال»<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند.

1. List proportional system

2. Single transferable vote system



**نظام تناسبی لیستی:** نظام انتخاباتی لیستی در حوزه‌های انتخابیه چند نماینده‌ای کاربرد دارد. در این نوع نظام انتخاباتی هر حزبی که مایل باشد در انتخابات مشارکت کند می‌تواند لیستی متشکل از کاندیداهای خود برای هر حوزه‌ی انتخابیه چند نماینده‌ای ارائه دهد. سپس رأی‌دهندگان از میان لیست‌های ارائه شده‌ی احزاب سیاسی دست به گزینش می‌زنند و بهترین لیست را انتخاب می‌کنند. پس از شمارش آراء و مشخص شدن سهم هر حزب از آراء کرسی‌های پارلمان به تناسب آرای که هر یک از احزاب کسب کرده‌اند بین آن‌ها توزیع می‌شود. در واقع نظام‌های تناسبی لیستی پرکاربردترین نظام انتخاباتی در سطح جهان‌اند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷).

**نظام تک رأی قابل انتقال:** این نظام انتخاباتی در حوزه‌های انتخابیه‌ای که وسعت آن‌ها بیش از یک است کاربرد دارد (لندن، ۱۳۸۹: ۵۴) در این نظام همانند نظام انتخاباتی رأی بدیل، رأی‌دهندگان کاندیداهای معرفی شده‌ی احزاب سیاسی را به ترتیب اولویت مورد نظر خود بر روی برگه‌های رأی‌دهی رتبه‌بندی می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸)؛ پس از آنکه تعداد کل رأی‌های یک حوزه شمارش شد، بر اساس آن شاخص یا حد نصاب رأیی که برای پیروزی هر کاندیدا لازم است مشخص می‌شود. این شاخص معمولاً از طریق تقسیم کل آرای یک حوزه بر تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به آن حوزه مشخص می‌شود که به این شاخص «شاخص دروپ» می‌گویند. هر کاندیدایی که برابر یا بالاتر از این شاخص در اولویت اول رأی‌دهندگان قرار گرفته باشد، انتخاب خواهد شد. در شمارش‌های دوم و بعدی، آرای مازاد کاندیداهای انتخاب شده، طبق اولویت‌های دوم برگه‌های رأی، بین کاندیداهای باقی‌مانده توزیع می‌شود، اما چنانچه کاندیدای پیروز، آرای مازادی فراتر از شاخص تعیین شده نداشته باشد، کاندیدایی که کم‌ترین میزان آراء را در مجموع آرا کسب کرده است حذف می‌شود و سپس آرای او در شمارش‌های بعدی به نفع کاندیداهای باقی‌مانده بر طبق اولویت‌های دوم و بعدی باز توزیع می‌شود. این فرآیند آنقدر ادامه می‌یابد تا یا همه‌ی کرسی‌های آن حوزه‌ی انتخابیه را کاندیداهایی که به اندازه‌ی شاخص تعیین شده رأی کسب کرده‌اند پر کنند و یا تعداد کاندیداهایی که در شمارش باقی مانده‌اند فقط یکی بیشتر از تعداد کرسی‌هایی باشد که باید پر شوند که در این حالت همه‌ی کاندیداهای باقی مانده به غیر از یکی از آن‌ها بدون رسیدن به شاخص انتخاب می‌شوند.

### ۷-۳. نظام‌های انتخاباتی مختلط یا تلفیقی

نظام‌های انتخاباتی مختلط می‌کوشند ویژگی‌های مثبت نظام‌های اکثریتی و تناسبی را با هم ترکیب کنند. در یک نظام مختلط، دو نظام انتخاباتی که هر کدام از فرمول متفاوتی استفاده می‌کنند در کنار هم فعالیت می‌کنند. آراء را رأی‌دهندگان به صندوق می‌اندازند که مشابه هم هستند و این

به انتخاب نمایندگان در هر دو نظام کمک می‌کند. نظام‌های مختلط، دو شکل «نظام انتخاباتی موازی»<sup>۱</sup> و «نظام انتخاباتی مبتنی بر اعضای مختلط»<sup>۲</sup> دارند.

**نظام انتخاباتی موازی:** یکی از انواع نظام‌های انتخاباتی مختلط، نظام موازی است. در نظام موازی تکلیف کرسی‌های پارلمان از طریق دو فرمول مختلف «اکثریتی» و «تناسبی» مشخص می‌شود (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۰). در نظام موازی این دو فرمول مستقل از هم و به موازات هم عمل می‌کنند، یعنی تکلیف بخش معینی از کرسی‌های پارلمان از طریق یکی از انواع نظام‌های اکثریتی مشخص می‌شود و تکلیف بخش دیگری از کرسی‌های پارلمان از طریق یکی از انواع نظام‌های تناسبی. این دو فرمول تأثیری در نتایج یکدیگر نمی‌گذارند، بنابراین نتیجه‌ی یکی از این فرمول‌ها در توزیع کرسی‌های فرمول دیگر اثری ندارد.

در نظام موازی ممکن است رأی دهنده صرفاً یک برگه‌ی رأی‌دهی دریافت کند و از آن همزمان هم برای رأی‌دهی به یک کاندیدا و هم برای رأی‌دهی به یک حزب استفاده کند. با این حال، در اکثر مواقع دو برگه‌ی رأی به رأی‌دهندگان داده می‌شود، یکی برای کرسی‌هایی که بر اساس نظام اکثریتی پر می‌شوند و یکی هم برای کرسی‌هایی که از طریق نظام تناسبی پر می‌شوند. نسبت کرسی‌های اکثریتی و تناسبی در کشورهای گوناگونی که از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند، متفاوت است (گنورگیفا و سیمون، ۱۳۹۲: ۱۸).

**نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط:** نوع دیگر نظام‌های انتخاباتی مختلط، نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط است. این نظام هم مانند نظام موازی از دو جزء اکثریتی و تناسبی تشکیل شده است، یعنی در واقع ترکیبی از یکی از گونه‌های نظام‌های اکثریتی و یکی از گونه‌های نظام‌های تناسبی است (لاندن، ۱۳۸۹: ۱۱۸). با این حال، در این نظام، بر خلاف نظام انتخاباتی موازی، این دو جزء مستقلاً و به موازات هم عمل نمی‌کنند، بلکه در این نظام بخش تناسبی نظام تلاش می‌کند تا میزان غیر تناسبی بودن نتایج بخش اکثریتی نظام را تعدیل کند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹). بنابراین در نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط، نتایج بخش اکثریتی نظام بر نحوه‌ی اعطای کرسی‌ها در بخش تناسبی نظام اثر می‌گذارد و در واقع هدف بخش تناسبی، جبران و اصلاح بی‌تناسبی حاصل از بخش اکثریتی است، به همین دلیل این نظام را «نظام انتخاباتی جبرانی» هم می‌نامند.

1. Parallel system

2. Mixed member proportional

## ۷-۴. سایر نظام‌های انتخاباتی

علاوه بر نظام‌های انتخاباتی پیش گفته، تعداد دیگری نظام انتخاباتی هم وجود دارد که به طور کامل در هیچ یک از سه نوع نظام انتخاباتی فوق قرار نمی‌گیرند. در واقع، این نظام‌ها ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که باعث می‌شود نتوان آن‌ها را در زمره‌ی نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط جای دارد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). از جمله مهم‌ترین این نظام‌های انتخاباتی می‌توان به «نظام انتخاباتی تک رأی غیر قابل انتقال»<sup>۱</sup>، «نظام انتخاباتی رأی محدود»<sup>۲</sup> و «نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا»<sup>۳</sup> اشاره کرد.

**نظام انتخاباتی تک رأی غیر قابل انتقال:** این نظام انتخاباتی نظامی کاندیدا محور است و در آن هر رأی دهنده یک حق رأی دارد. بنابراین هر رأی دهنده فقط می‌تواند به یک کاندیدا رأی دهد (همان: ۱۰۶). با این حال در این نظام انتخاباتی وسعت حوزه‌های انتخابیه بیش از یک است، یعنی از هر حوزه انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (لاندن، ۱۳۸۹: ۱۲۳). نحوه انتخاب نمایندگان هم بر اساس فرمول اکثریتی ساده صورت می‌گیرد.

**نظام انتخاباتی رأی محدود:** وسعت حوزه انتخابیه در نظام انتخاباتی رأی محدود هم بیش از یک است. یعنی در این نظام هم حوزه‌های انتخابیه چند نماینده‌ای هستند (لاندن، ۱۳۸۹: ۱۳۰) با این حال، در نظام انتخاباتی رأی محدود، بر خلاف نظام قبلی، رأی‌دهندگان بیش از یک حق رأی، اما کمتر از تعداد کاندیداهایی که باید انتخاب شوند دارند. نحوه انتخاب نمایندگان در این نظام تفاوتی با نحوه انتخاب نمایندگان در نظام تک رأی غیر قابل انتقال ندارد و انتخاب نمایندگان بر اساس فرمول اکثریتی ساده صورت می‌گیرد.

**نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا:** آخرین و منحصر به فردترین نظام انتخاباتی نظام مبتنی بر شمارش بوردا است. این نظام یک نظام اولویت دهی یا یک نظام ترجیحی محسوب می‌شود. به این معنا که در این نظام رأی‌دهندگان مانند نظام رأی بدیل اسامی کاندیداها را به ترتیب اولویت مورد نظر خود مرتب می‌کنند. این نظام را می‌توان هم در مناطقی که وسعت حوزه‌های انتخابیه در آن‌ها یک است و هم در مناطقی که وسعت حوزه‌های انتخابیه در آن‌ها بیش از یک است به کاربرد.

<sup>1</sup>. Single non-transferable vote

<sup>2</sup>. Limited vote

<sup>3</sup>. Borda count system

## ۸. تحلیل کلیات و جمع‌بندی

مردم سالاری، فلسفه اجتماعی و جغرافیایی‌ترین شکل حکومت است که در آن مردم دارنده قدرت نهایی تصمیم‌گیری درباره مسائل سیاست عمومی‌اند. در چنین حکومتی، پذیرش باورها و پندارهای گوناگون و چرخش نخبگان در سامانه قدرت سیاسی، به شیوه‌های مسالمت‌آمیز به ویژه انتخابات انجام می‌پذیرد.

امروزه بخش عمده‌ای از مردم جهان در کشورهای مختلف در انتخابات رقابتی شرکت می‌کنند و رأی می‌دهند. اگر چه همه‌ی انتخابات‌هایی که برگزار می‌شود آزادانه و عادلانه نیستند و صرف برگزاری انتخابات به خودی خود به معنای مردم‌سالار بودن نظام سیاسی یک کشور نیست، اما امروزه غیر دموکراتیک‌ترین حکومت‌ها نیز دریافته‌اند که برای کسب مشروعیت سیاسی به برگزاری انتخابات هرچند ظاهری نیازمند هستند. انتخابات آزاد و عادلانه، رکن اولیه مردم‌سالاری است و هیچ حکومتی بدون برگزاری انتخابات آزاد نمی‌تواند ادعای مردم‌سالاری بودن داشته باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بر اساس سابقه و سنت‌های اجتماعی، جامعه ایران نیز یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای شرکت مردم در سرنوشت خویش، برگزاری انتخابات در نظر گرفته شد؛ به طوری که طی سه دهه نظام جمهوری اسلامی ایران به طور میانگین هر سال یک انتخابات در کشور برگزار شده است.

## منابع

- امام خمینی (۱۳۷۸). صحیفه امام، ج ۱۷ و ۱۸، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸). مبانی سیاست، تهران: انتشارات توس.
- آزر، ادوارد؛ ای ومون، چونگ این (۱۳۷۷). «ابعاد نرم افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیستم سیاسی»، ترجمه گروه امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی، ش ۲۲.
- اسحاقی، حسین (۱۳۸۷). «اصول و ویژگی‌های مردم‌سالاری دینی»، انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۹.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۶۹). جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۷۶). اندیشه‌های پوپر، ترجمه حمید حسنی، تهران: انتشارات همراه.
- حقیقی، سید صادق (۱۳۷۹). انتخابات: تعاریف و اصطلاحات، تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- دال، رابرت (۱۳۷۸). درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- در مکتب جمعه (۱۳۶۴). مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- درویش، محمدرضا (۱۳۸۲). «مردم سالاری دینی یا مردم‌سالاری دین‌داران»، تهران: بازتاب اندیشه، ش ۳۷.
- رینولدز، بن رایلی و دیگران (۱۳۹۱). دانشنامه‌ی نظام‌های انتخاباتی، ترجمه ابودر رفیعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سائلی کرده‌ده، مجید (۱۳۷۸). سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس در ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۴). مباحثی در انتخابات آزاد، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- غفوری، محمد (۱۳۷۸). «نظام‌های حزبی و نظام‌های انتخاباتی»، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور، انتشارات همشهری.
- فکوری، محمد موسی (۱۳۸۹). «مردم سالاری دینی: کارایی و کارآمدی»، سفیر، س ۴، ش ۱۳.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۹). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان.
- میر احمدی، منصور (۱۳۸۸). «مردم‌سالاری دینی، امکان یا امتناع»، مجموعه مقالات دومین همایش مردم سالاری دینی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۴). حقوق و سیاست در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۷۶). اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۸). نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). گفتارهای معنوی، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۳). تبیین نظریه مردم سالاری دینی در قیاس با دموکراسی غربی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۳). حکومت در اروپا، تهران: انتشارات سمت.
- وب سایت <http://farsi.khamenei.ir>
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶). نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

*Grugel, jean , democratization : a critical introduction , hampshire : palgrave macmillan , 2002 .*

*Reynolds, andrew , La conception des systems electoraux, departement des publication , international idea ,se 10334, stockholm , sued , 2002 .*



Research Article

***The effect of political legitimacy and religious democracy on the electoral system of the Islamic Council***

***Sayeda Masoume Fahandej Saadi,<sup>1</sup> Mohammadreza Mohammadjani<sup>2</sup> and Hamidreza Haqiqat<sup>3</sup>***

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

**Abstract**

*Electoral systems are a fundamental part of democratic political systems. Their importance is not only due to their role in building a democratic society, but in the effects that the functions of this system have on the political, economic and social aspects of society. The word election means the act of choosing; It means the act of selecting and choosing from several items or different options; Elections will have an external reality when, first, the free will of man is assumed; And secondly, it is possible to implement this freedom of choice and thirdly, there are various options to choose from. The purpose of this article is to explain the effect of political legitimacy and religious democracy on the elections of the Islamic Council, which has been addressed by using the descriptive-analytical method and using library sources, the effect of these two categories on the elections.*

**Keywords:** *Political legitimacy, religious democracy, elections, electoral system, Islamic Parliament.*

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

*Fahandej Saadi, Sayeda Masoume; Mohammadjani, Mohammadreza; Haqiqat, Hamidreza (Fall 2024). "The effect of political legitimacy and religious democracy on the electoral system of the Islamic Council". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 7, Num. 3, S.No. 27, pp. 97 - 122.*

---

<sup>1</sup>. PhD candidate in Public Policy, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. Email: s.m.fahandezh2011@gmail.com

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email: mohamahrezamohammadjani@yahoo.com

<sup>3</sup>. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email: Hamidrezahahhighat@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

## References

- Abul Hamad, Abdul Hamid (1368). *Basics of Politics*, Tehran: Tos Publications . (in Persian)
- Azar, Edward; E. Vemon, Chong In (1377). "Software Dimensions of National Security: Legitimacy, Coherence and Capacity of the Political System", translated by National Security Group, *Defense Policy Journal*, Vol. 22 . (in Persian)
- Dahl, Robert (1378). *About Democracy*, translated by Hasan Pushharaki, Tehran: Shirazeh Publication and Research.
- Darvish, Mohammadreza (2012). "Religious democracy or religious democracy", *Tehran: Reflections of Thought*, p. 37 . (in Persian)
- Ezzati, Morteza (1384). *Discussions in free elections*, Tehran: Research Institute of Economics, Tarbiat Modares University . (in Persian)
- Fakuri, Mohammad Musa (1389). "Religious democracy: efficiency and effectiveness", *Safir*, S4, No. 13 . (in Persian)
- Ghafouri, Mohammad (1378). "Party Systems and Electoral Systems", a collection of articles on partisanship and political development, Tehran: Office of Studies and Research of the Ministry of Interior, Hamshahri Publications . (in Persian)
- Grugel, Jean, *democratization : a critical introduction*, hampshire : palgrave macmillan , 2002 .
- Haghighi, Seyyed Sadegh (1379). *Elections: definitions and terms*, Tehran: Public Relations of the Islamic Council . (in Persian)
- Imam Khomeini (1378). *The Book of the Imam*, vol. 17 and 18, Tehran: Imam Khomeini Publishing House . (in Persian)
- In Friday school (1364). *Center for Islamic Information and Documents*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ishaghi, Hossein (1387). "Principles and characteristics of religious democracy", *Islamic Revolution*, p. 4, p. 9 . (in Persian)
- Mir Ahmadi, Mansour (1388). "Religious Democracy, Possibility or Refusal", *Collection of Articles of the Second Conference on Religious Democracy*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books of the University . (in Persian)
- Misbah, Mohammad Taghi (1376). *Ethics in the Qur'an*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Volume 1 . (in Persian)
- Misbah, Mohammad Taghi (1384). *Law and Politics in the Quran*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute . (in Persian)
- Misbah, Mohammad Taghi (1388). *Political Theory of Islam*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Volume 2 . (in Persian)
- Motahari, Morteza (1371). *Around the Islamic Revolution*, Tehran: Sadra . (in Persian)
- Motahari, Morteza (1373). *Spiritual discourses*, Tehran: Sadra . (in Persian)
- Naqibzadeh, Ahmed (1373). *Governance in Europe*, Tehran: Somit Publications . (in Persian).



- Nowrozi, Mohammad Javad (2013). *Explanation of the theory of religious democracy in comparison with western democracy*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute . (in Persian)
- Popper, Karl Raymond (1369). *Open society and its enemies*, translated by Ezatollah Fouladvand, Tehran: Khwarazmi Publications.
- Popper, Karl Raymond (1376). *Popper's Thoughts*, translated by Hamid Hosni, Tehran: Hamish Publications.
- Qazi, Abulfazl (1389). *Fundamental rights requirements*, Tehran: Mizan Publications . (in Persian)
- Qazi, Abulfazl (2013). *Fundamental rights and political institutions*, Tehran: Mizan Legal Foundation . (in Persian)
- Reynolds, andrew , *La conception des systems electoraux*, departement des publication , international idea ,se 10334, stockholm , sued , 2002 .
- Reynolds, Ben Riley and others (2011). *Encyclopaedia of Electoral Systems*, translated by Abuzar Rafiei Gehsare, Tehran: Research Center for Strategic Studies.
- Saeli Kardeh, Majid (1378). *The evolution of parliamentary electoral laws in Iran*, Tehran: Publications of the Center for Islamic Revolution Documents . (in Persian)
- Stryker .R. Ruies , *resources and legitimacy processes* , americab journal of sociology , vul 99 . 1994 .
- Vincent, Andrew (1376). *State theories*, translated by Hossein Bashirieh, Tehran: Nei Publishing, second edition.
- Website [http //farsi .khamenei .ir](http://farsi.khamenei.ir) . (in Persian)

پروفیسر کاہنشاہ غلام انصاری و مطالعات اسلامیاتی

برائے اعلیٰ تعلیم علوم انسانی